Vol. 11 | No. 3290 | Sun. Apr 12. 2026 | یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ | ۲۳ شوال ۱۴۴۷ | سال دوازدهم | شماره ۳۲۹۰ | ۴ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

چشم‌انداز بازار ارزهای دیجیتال
میان فرصت‌های رشد و ریسک‌های پنهان

بیت کوین در مسیر ۷۳ هزار دلار قرار گرفت

صفحه ۴

رصد آموزش مجازی در مدارس ابتدایی
معلمان گزارش ساعتی می‌دهند

معلم، مدیر، خانواده مثلث جدید نظارت بر آموزش مجازی

صفحه ۴

با تایید پیش شرط‌های تهران از سوی طرف مقابل

بی‌واسطه در اسلام‌آباد

۲

یادداشت-۱

برگ برنده ایران در مذاکرات اسلام‌آباد

حسن هانی‌زاده

مذاکرات ایـران و امریکا در اسـلام‌آباد در حالی از سـاعت ۱۶ روز گذشته آغاز شد که تنها چند روز از پایـان ۴۰ روز بمباران گسترده و شهادت رهبر انقلاب و جمعی از مقامات بلندپایه ایران می‌گذرد. فضایی که بـه گفته تحلیلگـران، بدبینانه‌تر از آن است که بشـود نامش را «مناسب برای گفت‌وگو» گذاشـت. با این حال، تهران با طرح شروط ۱۰ گانه و تکیـه بر قـدرت بازدارندگی نظامی و تسـلط بر تنگه هرمز کوشیده اسـت میز مذاکره را به میدان ترجمه دسـتاوردهای نظامـی و ژئوپلیتیک خود تبدیل کند؛ میزی که هر تصمیم روی آن می‌تواند سرنوشت شـاهرگ انرژی جهان را تحت تاثیر قرار دهد. مذاکراتی که این روزها بین هیات ایرانی و طرف امریکایی در اسلام‌آباد جریان دارد، از نگاه بسیاری از ناظران یکی از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین گفت‌وگوها در تاریخ تقابل و تماس دو کشور به شمار می‌رود. با این همه، ایران تصمیم گرفت وارد گفت‌وگو شود؛ نـه از موضع انفعال، بلکه به عنوان اقدامی برای ابراز حسن نیت مشروط. تهران در این چارچوب، شروط ۱۰ گانه‌ای را بر میز گذاشته که از نگاه مقامات ایرانی باید مورد پذیرش امریکا و جامعه جهانی قرار بگیرد. جزییات این شروط در این گفت‌وگو تشریح نشده، اما روشن است که از منظر تهران، این پیش‌شرط‌ها چارچوب ضروری هر گونه تفاهم محسوب می‌شوند؛ چارچوبی که بدون آن، مذاکره صرفا به حرکت روی سطحی لغزنده و نامطمئن تبدیل خواهد شد. نکته مهم این اسـت که ایران با دسـتان خالی وارد این مذاکرات نشـده اسـت. کارنامه ۴۰ روزه جنگ، از نظر تهران و بخشی از تحلیلگران منطقه، حاوی یک پیام روشن به واشـنگتن بوده است. ایران توانسته قدرت بازدارندگی خود را به‌طور ملموس نشان دهد و قواعد درگیری را، دست‌کم در بخشی از میدان، به نفع خود و محور مقاومت تغییر دهد. از همین زاویه است که امریکایی‌ها «طبیعتا» باید شروط ده‌گانه ایران را جدی بگیرند؛ زیرا با طرفی روبه‌رو هسـتند که صرفا مطالبه‌گر نیست، بلکه توان اثبات اراده خود در میدان را نیز نشـان داده است. در کنار این موازنه جدید قدرت، ترکیـب هیات امریکایی نیز اهمیت نمادین و شـاید عملی قابل توجهی دارد. ریاسـت هیات مذاکره‌کننده امریکا را جی.دی.ونس، معاون رییس جمهور بر عهده دارد؛ چهره‌ای که طبق این روایت، از ابتدا با سیاست‌های تهاجمی دولت ترامپ در حمله به ایران مخالف بوده است. همین پیشینه، برخی امیدها را نسبت به امکان بروز «نرمش بیشتر» از سـوی او در برابر مطالبات ایران زنده نگه می‌دارد. اما پرسش کلیدی این است که این تفاوت فردی تا چه حد می‌تواند در ساختار سخت و لایه‌لایه قدرت در واشنگتن واقعی و موثر باشد؛ آیا با یک «فرصت شخصی» مواجهیم یا با «توهمی» که ساختارهای امپراتوری آن را به سرعت خنثی می‌کنند؟

بخـش دوم ماجرا که شـاید در بلندمـدت از خودِ مذاکرات اسلام‌آباد سرنوشت‌سازتر باشد، به موقعیت تنگه هرمـز بازمی‌گردد. تنگه‌ای کـه در محدوده آب‌های اقلیمی ایران قرار دارد و به درستی در کنار گذرگاه‌هایی مانند تنگه داردانـل در ترکیه، کانال پاناما و کانال سوئز مصر به عنوان بخشی از حاکمیت ملی کشور میزبان تلقی می‌شود. این قیاس حقوقی - جغرافیایی، تاکیدی اسـت بر این واقعیت که ایران نه‌تنها از نظر جغرافیایی، بلکه از منظر حقوق بین‌الملل نیز بازیگری مشروع در نظم عبور و مرور انرژی از این شاهرگ جهانی است.

تنگه هرمز بی‌تردید شـاهراه حیاتی اقتصاد انرژی جهان اسـت. بخش مهمی از صـادرات نفت و گاز منطقه از این تنگه عبور می‌کند و هر گونه اختلال پایدار در آن می‌تواند بازارهای جهانی را با شوک‌های زنجیره‌ای مواجه سازد. ایران طی چند دهه گذشته برای تامین امنیت این گذرگاه راهبردی هزینه‌های سنگینی - مالی، انسانی و امنیتی - پرداخته است. اما در کنار این نقش مسـوولانه، یک وجه انتقادی نیز وجود دارد: نهادهای حاکمیتی در ایران طی این سال‌ها در ایجاد یک «رژیم حقوقی» مشخص برای تنگه هرمز و تعریف سازوکارهای مالی و اقتصادی پایدار مرتبط با آن کوتاهی کرده‌اند. این نقد به خوبی یک شکاف سـاختاری را نشان می‌دهد: از یک‌سو، ایران نقش «نگهبـان ناگزیر» یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان را بر عهده گرفته و از سوی دیگر نتوانسته اسـت این نقش را به یک چارچوب حقوقی و اقتصادی تثبیت شده و قابل دفاع تبدیل کند؛ چارچوبی که هم مشروعیت بین‌المللی را تقویت کند و هم منافع اقتصادی و سیاسی مشخصی برای کشور به همراه داشته باشد. به زبان دیگر، تنگه هرمز سال‌هاسـت که برای جهان حیاتی است، اما ایران هنوز نتوانسته است به همان اندازه که هزینه امنیت آن را می‌پردازد، سـهم متناسبی در طراحی قواعد بازی آن داشته باشد...

ادامه در صفحه ۲

«تعادل» بررسی می‌کند

بازار سهام پشت درهای بسته

نهمین روز اسفندماه سال گذشـته بود که به علت تجاوزات دشمن بازار سهام تعطیل شد و این تعطیلی همچنان ادامه دارد. مسوولان بازار سرمایه برای حفظ وصیانت نقدینگی در بورس در اقدامی تصمیم گرفتند معاملات بازار سهام را تا زمان آرامش تعطیل کنند و باوجود آتش‌بس دوهفته‌ای این تعطیلی همچنان ادامه دارد. برخی از فعالان و کارشناسان بازار سرمایه عقیده دارند که در شرایط آتش‌بس باید معاملات بازار سهام بازگشایی شود تا اگر سرمایه‌گذاران به نقدینگی نیاز دارند...

صفحه ۳ را بخوانید

حجم معاملات در بازار خودرو به پایین‌ترین سطح خود در ۵ سال اخیر رسید

قیمت‌های نجومی خودرو در بازار!

تعادل | «تداوم نااطمینانی‌های سیاسی و نامشخص بودن جهت‌گیری سیاست‌های وارداتی» همچنان از جمله عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری خریداران و فروشندگان سایه انداخته‌اند. فضای کلی بازار خودرو، تحت تاثیر اخبار مربوط به آتش‌بس و انتشار خبرهای ضد و نقیض درباره میزان پایبندی طرفین به تعهدات در وضعیت انتظار و...

صفحه ۳ را بخوانید

یادداشت-۲

بورس در انتظار تخلیه هیجانات جنگ

بهمن فلاح

بیـش از ۴۰ روز از تعطیلـی بازار سـهام می‌گذرد؛ دوره‌ای که تقریبا همزمان با درگیری گسترده نظامی در کشور بوده و طبیعی است که آثار روانی و اقتصادی آن تنهـا محدود به یک بازار خاص نباشد. تجربه چنین شرایطی نشان می‌دهد کـه در دوران جنگ یا بحران‌های بـزرگ، اغلب بازارها از بازارهـای کالایی گرفته تا بازارهـای مالی با موجی از هیجانات و واکنش‌های احساسی مواجه می‌شوند. این وضعیت نتیجه مسـتقیم نااطمینانی، اخبار متناقض و فشار روانی ناشی از شرایط جنگی است. در حال حاضر نیز همین فضای ابهام بر بسـیاری از بازارها حاکم است. آتش‌بسی که برقرار شده هنوز موقتی است و سرنوشت نهایی مذاکرات مشخص نیسـت. در چنین شرایطی، بسیاری از فعالان اقتصادی ترجیح می‌دهند با احتیاط بیشتری عمل کنند و تصمیمات بزرگ اقتصادی خود را تا روشن‌تر شدن وضعیت به تعویق بیندازند. به همین دلیل، انتظار می‌رود تا زمانی که مذاکرات به نتیجه مشخصی نرسد و چشم‌انداز صلح پایدار شکل نگیرد، فضای احتیاط همچنان در بازارها ادامه داشته باشد. با توجه به اینکه بازار بیش از ۴۰ روز تعطیل بوده، شاید منطقی باشد که پیش از بازگشایی کامل، زمان کوتاه دیگری نیز برای آماده‌سازی شرایط در نظر گرفته شود. یک یا دو هفته فرصت اضافی می‌تواند کمک کند تا بخشـی از هیجانات روانی تخلیه شـود و فضای تصمیم‌گیری منطقی‌تر در میان فعالان بازار شکل بگیرد. چنین فرصتی همچنین امکان فراهم شـدن برخی زیرسـاخت‌های ضروری برای بازگشایی بازار را فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین این زیرساخت‌ها، شفاف‌سازی از سوی شرکت‌ها و ناشران است. در شرایطی که کشـور یک جنـگ فراگیر را تجربه کـرده، طبیعی است که سرمایه‌گذاران بخواهند بدانند وضعیت واقعی شرکت‌ها چگونه است و آیا این درگیری‌ها خسارتی به فعالیت آن‌ها وارد کرده یا خیر، بنابراین لازم است شرکت‌ها به‌ویژه بنگاه‌های بزرگ صنعتی و تولیدی، اطلاعیه‌های رسمی درباره میزان خسارت یا عدم خسارت خود منتشر کنند. این موضوع به‌ویژه درباره صنایع بزرگ و استراتژیک اهمیت بیشتری دارد. برای مثال شرکت‌هایی مانند فولاد مبارکه یا مجموعه‌های بزرگ پتروشیمی که در بسیاری از سبدهای سـرمایه‌گذاری حضور دارند، نقش مهمی در جهت‌دهی به بازار ایفا می‌کنند. اگر این شـرکت‌ها به صورت رسمی و شـفاف وضعیت خود را اعلام کنند، می‌تواند تا حد زیادی از شکل‌گیری شایعات و تصمیمات هیجانی جلوگیری کند. در واقع، شفافیت اطلاعاتی یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های بازگشایی عقلانی بازار است. اگر سـرمایه‌گذاران بدانند که وضعیت واقعی شرکت‌ها چیست و چه تاثیری از جنگ پذیرفته‌اند، امکان تحلیل دقیق‌تر و تصمیم‌گیری منطقی‌تر فراهم می‌شود. در غیر این صورت، بازگشایی عجولانه بازار می‌تواند زمینه‌ساز نوسانات شدید و رفتارهای هیجانی شود. از سوی دیگر، هنوز ابهامات مهمی درباره آینده آتش‌بس و پایداری آن وجود دارد. تا زمانی که وضعیت سیاسی و امنیتی کشور به ثبات نسبی نرسـد، انتظار شکل‌گیری آرامش کامل در بازارها چندان واقع‌بینانه نیست. بنابراین همزمان با شفاف‌سازی شرکت‌ها، لازم است فضای کلی کشور نیز به سمت ثبات بیشـتر حرکت کند. در مجموع، به نظر می‌رسد بهترین رویکرد در شرایط کنونی، فراهم کردن مقدمات لازم برای بازگشایی تدریجی بازار است. اگر در یکی، دو هفته آینده شرکت‌ها گزارش‌های شفاف ارایه دهند و بخشی از فشار روانی ناشی از بحران اخیر کاهش یابد، می‌توان انتظار داشـت که بازار با آمادگی بیشتری فعالیت خود را از سر بگیرد؛ بازگشایی‌ای که در آن منطق اقتصادی جایگزین هیجان‌های مقطعی شود.

یادداشت-۳

«بازآرایی نظم اقتصادی غرب آسیا در دوران پساجنگ»

بهمن اکبری

ایـن یادداشـت با اسـتناد به نشست آتی وزرای اقتصاد گروه هفـت (G۷) در پاریس (آوریل ۲۰۲۶؛ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵)، به بررسی پیامدهای اقتصادی احتمالی یک دوره پسـاجنگ در منطقه غرب آسیا می‌پردازد. تمرکـز اصلی بر این اسـت که چگونه قدرت‌های بـزرگ اقتصادی، با هدف «بازسـازی زنجیره‌های تامین انرژی» و «حفظ ثبات بازارها»، رویکردها و جهت‌گیری‌های اقتصادی منطقه را پس از حمله اسراییل و امریکا به ایران، باز تعریف خواهند کرد؟

منطقه غرب آسیا همواره در تقاطع امنیت انرژی و رقابت‌های قدرت‌های جهانی قرار داشـته اسـت. نشست پیش روی وزرای اقتصاد گروه هفت در پاریس، نشان‌دهنده این واقعیت است که تعاملات اقتصادی در این منطقه، دیگر صرفا یک موضوع تجاری نیسـت، بلکه بخشی اسـت جدایی‌ناپذیر از اسـتراتژی‌های امنیتی غرب. با نزدیک شـدن به دوران پساجنگ، پرسش اساسی این است که ساختار اقتصادی منطقه بر پایه «همکاری‌های چندجانبه» بنا خواهد شد یا بر پایه «بازسازی نظم تحت کنترل قدرت‌های سنتی»؟ بیانیه مشترک وزرای اقتصاد و انرژی گروه هفت مبنی بر آمادگی برای اتخـاذ اقدامات لازم برای «حفظ ثبات بـازار انرژی» نشـان‌دهنده یک اولویت اسـتراتژیک اسـت. در دوران پساجنگ:

۱- تثبیت مسیرهای انتقال: بازسازی زیرساخت‌های انرژی و تضمین امنیت مسیرهای ترانزیتی (مانند تنگه هرمز و کانال سوئز) به عنوان اولویت نخست قرار خواهد گرفت.

۲- تنوع‌بخشی به سبد انرژی: احتمالا کشورهای گروه هفت تلاش خواهند کرد تا ضمن حفظ جریان نفت و گاز، بر گذار به انرژی‌های پاک‌تر در منطقه نیز نظارت کنند تا وابستگی به نوسانات شدید سیاسی کاهش یابد.

جهت‌گیری‌های اقتصادی منطقه: دو رویکرد متضاد: پس از فروکش کردن درگیری‌ها، جهت‌گیری‌های اقتصادی منطقه احتمالا میان دو قطب حرکت خواهد کرد:

الف) بازسازی تحت هدایت غرب (مدل گروه هفت): در این سـناریو، هدف اصلی، بازگشت به ساختاری است که در آن جریان سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و فناوری‌های انرژی، با اسـتانداردهای بازارهای مالی تحت نظارت کشـورهای توسعه‌یافته (مانند فرانسه و سایر اعضای G۷) همسو باشد. این رویکرد بر «ثبات بازار» و «امنیت زنجیره تامین» تاکید دارد.

ب) ظهور قطب‌های چندجانبه: با توجه به تغییرات ژئوپلیتیک، ممکن اسـت کشـورهای منطقه برای کاهش وابستگی به ساختار تک‌قطبی، به سمت تقویت پیوندهای اقتصادی با بلوک‌های نوظهور حرکت کنند. این موضوع می‌تواند منجر به ایجاد یک نظم اقتصادی دوگانه در خاور میانه شود.

نقش نهادهای مالی و بانک‌های مرکزی: حضور روسـای بانک‌های مرکزی در نشسـت پاریس نشـان می‌دهد که «جنگ مالی» و «بازسازی مالی» پس از درگیری، به یکدیگر گره خورده‌اند. در دوره پساجنگ: نخست، بازگشت سرمایه و بازسازی زیرساخت‌هاسـت. مدیریت جریان نقدینگی برای بازسازی کشورهای آسـیب‌دیده، از طریق نهادهای مالی بین‌المللـی، از ابزارهای اصلی قدرت خواهد بود. دوم، مدیریت ریسک سیستماتیک را شاهد خواهیم بود. بانک‌های مرکزی گروه هفت به دنبال ایجاد پروتکل‌هایی هستند که نوسانات ناشی از تنش‌های سیاسی را در بازارهای جهانی به حداقل برساند.

نقش ایران در دوره پسـاجنگ: این نقش ابعاد چندگانه‌ای خواهد داشت که هم متاثر از تحولات منطقه‌ای و جهانی است و هم تابع سیاستگذاری‌های داخلی. آموزه‌های سومین رهبر ج.ا.ایران و جهت‌گیری‌های اقتصادی دولت، تعیین‌کننده اصلی این نقش خواهند بود. در این دوره، ایران با توجه به موقعیت استراتژیک و منابع انرژی خود می‌تواند در محورهای زیر نقش‌آفرینی کند:

۱. بازسازی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری: پس از هر گونه تنش یا درگیری، اولویت اصلی ایران، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده و احیای اقتصاد ملی خواهد بود. این امر مستلزم جذب سـرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلـی، رفع موانع تولید و تسهیل روابط تجاری است. در صورت اتخاذ رویکرد تنش‌زدایی و تعامل‌سازنده با جامعه جهانی، ایران می‌تواند مجـددا در بازارهای جهانی انـرژی و کالاهای دیگر نقش پررنگ‌تری ایفا کند.

۲. امنیت انرژی و موازنه منطقه‌ای: با توجه به تاکید گروه هفت بر «ثبات و امنیت بازار انرژی»، موقعیت ژئواستراتژیک ایران به عنوان یکی از دارندگان اصلی ذخایر نفت و گاز، نقشی حیاتی خواهد داشت. ایران می‌تواند با ایفای نقش مسوولانه در حفظ جریان انرژی و همکاری با سایر تولیدکنندگان، به ثبات منطقه و بازارهای جهانی کمک کند یا برعکس تنش‌آفرینی می‌تواند این ثبات را مختل سازد.

۳. چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیک: گذار از دوره درگیری، به خصوص با وقوع حمله امریکا به ایران و شهادت رهبر فقید، تعیین‌کننده روند روابط ایران با ایالات متحده و غرب خواهد بود. بسـته به رویکرد رهبری جدید، این روابط می‌تواند به سمت تنش‌زدایی و همکاری (احتمالا در چارچوب مذاکرات اتمی و اقتصادی) یا تشدید تقابل پیش رود. اساسا تنش‌های منطقه‌ای ایران با برخی همسایگان، چه بر سر مسائل امنیتی و چه اقتصادی، نیازمند بازنگری اساسی است. تلاش برای ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای قوی‌تر یا تقویت روابط دوجانبه با کشورهای موثر (مانند چین، روسیه و کشورهای جنوب خلیج‌فارس) می‌تواند از اولویت‌ها باشد. اگر همان‌طور که در مقاله اشاره شد، قطب‌های چندجانبه‌ای در منطقه شکل بگیرد، ایران با توجه به وزن سیاسی و اقتصادی خود، می‌تواند یکی از ارکان این بلوک‌ها باشد و جهت‌گیری‌های اقتصادی منطقه را تحت تاثیر قـرار دهد. انتصاب آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید، نشان‌دهنده استمرار خط مشـی کلی نظام، اما با ابعاد احتمالی جدید در عرصه سیاست داخلی و خارجی خواهد بود. چگونگی تعامل ایشان با بدنه نخبگان اقتصادی، رویکرد به اصلاحات ساختاری و اولویت‌بندی برنامه‌های توسعه، بر نقش ایران در پس از جنگ تاثیر‌گذار خواهد بود. در مجموع، ایران در دوره پساجنگ، در چهارراهی حساس قرار خواهد داشت. اینکه این کشور بتواند از فرصت‌های بازسازی و تثبیت بهره‌مند شود و به یک بازیگر موثر و ثبات‌آفرین در اقتصاد منطقه‌ای تبدیل شود یا همچنان درگیر چالش‌های درونی و خارجی باقی بماند، به انتخاب‌های استراتژیک آینده خود بستگی دارد. در پایان می‌توان گفت که نشست پاریس در آوریل ۲۰۲۶، فراتر از یک جلسه هماهنگی، نمایانگر طراحی نقشه راه اقتصادی خاورمیانه در دوران گذار است. جهت‌گیری‌های اقتصادی در دوره پساجنگ، به‌شدت تحت تاثیر تلاش گروه هفت برای «کنترل ثبات انرژی» و «مدیریت ریسک‌های ژئوپلیتیک» خواهد بود. با این حال، موفقیت این جهت‌گیری‌ها بستگی به این دارد که آیا ساختار اقتصادی جدید می‌تواند تعادلی میان منافع امنیت جهانی و نیازهای توسعه‌ای کشورهای منطقه برقرار کند یا خیر. با توجه به یادداشت‌های پیشین و سناریوی پساجنگ که در آن شاهد تحولات ژئوپلیتیک قابل توجهی بودیم (از جمله حمله امریکا به ایران و شـهادت آیت‌الله خامنه‌ای)، نقش چین در تحولات اقتصادی آینده غرب آسیا، به‌ویژه با تمرکز بر رویکرد «پترویوآن» و ورود یوان به بازارهای مالی می‌تواند بسیار پررنگ و متمایز باشد.

یادداشت-۴

اهمیت خنثی‌سازی تحریم‌ها

حسین درودیان

مهم‌تریـن اولویت‌هـای اقتصادی کشـور در دوران آتش‌بـس و حتـی بعد از جنگ، بازسازی آن چیزی است که در جنگ از دست رفته اسـت. نیروگاه‌هایی که انرژی لازم برای صنایع بـزرگ کشـور را تامیـن می‌کردند، صنایع بزرگ در زمینه فولاد، پتروشیمی و همچنین بازسـازی سـاختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی آسیب دیده از جمله این موارد است. تورم و بی‌ثباتی اقتصادی در دوره بازسازی را صرفا در صورتی می‌توان کنترل کرد که بتوانیم به منابع ارزی قابل توجهی دسترسی داشته باشیم.

در حال حاضر مسـاله بازسـازی نسـبت به تورم ارجحیت دارد؛ زیرا تورم یک مساله اقتصادی است که در شـرایط نرمال باید به آن رسیدگی شود، اما برای کشوری که آسـیب دیده، اولویت باید ترمیم مواردی باشـد که روی زمین از دسـت رفته است. بخش واقعی باید بتواند این زیرساخت‌ها و تاسیسات را جبران کند که بدون سیاست‌های انبساطی مالی ممکن نیست. هم‌اکنون بسـیاری از شرکت‌هایی که آسـیب دیده‌اند با واسطه یا مسـتقیما در زمره دارایی‌های بانک‌ها محسـوب می‌شـوند. بنابراین با خساراتی که به این شـرکت‌ها وارد شده بانک‌ها از بخـش قابل توجهـی از درآمدهایشـان محروم می‌شـوند. لذا باید هزینه‌های بانک‌ها کاهش پیدا کند. هزینه اصلی بانک‌ها نرخ بهره است که کاهش آن به سیاسـت انبساطی کمک می‌کند. وجه دیگر قضیه تامین مالی ارزی است، اما تامین مالی ریالی هم در مواردی مثل مسکن و ساختمان لازم است. از ظرفیت تنگه هرمز باید برای کاهش یا رفع تحریم‌ها استفاده شود، دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز ایده خوبی اسـت، اما موضوع اصلی ما باید اسـتفاده از این اهرم برای رفع تحریم‌ها باشد. تحریم‌ها تـا پیش از این نیز چالـش اصلی اقتصاد کشور بود و در دوران پسـاجنگ نیز اهمیت دارد، چرا که دسترسـی به منابع ارزی و دانش فنی برای بازسازی، همه مستلزم تخفیف در تحریم‌هاست. لذا مهم‌ترین کار کردی که تنگه هرمز می‌تواند داشته باشد، این اسـت که به عنوان ابزار و اهرم برای رفع تحریم‌ها اسـتفاده شود. باید چشـم‌انداز جدیدی پیش روی اقتصاد کشور باز کنیم. برای نیل به این چشـم‌انداز لازم است دسترسـی‌های فعلی ما هم تغییـر کند و بتوانیـم به منابع مالـی و دانش فنی خارجی دسترسـی پیدا کنیم. ایـن در گروی رفع تحریم‌هاست و سیاست‌هایی مثل دریافت عوارض از تنگه هرمز بالطبع چنیـن کارکردهایی را ندارد. فقـط مقداری درآمد برای کمک بـه بودجه دولت ایجاد خواهد کرد.